



پرفسور حسین باهر،جامعه‌شناس

اگر زندگی ابوعلی‌سینا را در نظر بگیریم، شاید بتوان به چند پرسش زیر پاسخ گفت:

الف) ابوعلی‌سینا که بود؟

ب) چگونه ابوعلی‌سیناها، تقریباً به‌طور هم‌زمان با به عرصه وجود گذاشتند؟ (ج) چرا، در نیم‌قرن اخیر، حتی یک عدد جهانی، در ایران تولید نشده است؟ (د) چه باید کرد تا عصر مشعشع بالندگی فرا دو هزار ایران آغاز شود؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، به‌ترتیب به بعضی از ویژگی‌های زمان و مکان تولد و رشد شیخ‌الرئیس می‌پردازیم:

- از نظر وراثت در شرایط نوبوغ علوم قدیمه و پدر و مادری فرهیخته و ترکیب ژنتیک ایتیموم.
- مادری با باطن طیب، که تمام دوران بارداری را امانتداری کرد و زمین و زمان را در خدمت رشد جسمانی- روحانی جنینش به استخدام گرفت.
- دوران رضاع (شیرخوارگی) و سپس کودکی و بنابراین پرورش در آغوش مادر و بر دوش پدر، به احسن وجه ممکن و لازم.
- محیط مناسب تحصیل و تدریس علوم قدیمه و جدیده، بدون هرگونه تعصب خشک نسبت به آموزه‌های غربی یا شرقی.
- اشتیاق به مطالعه در همه زمینه‌های معرفتی زمان خود اعم از علمی، ادبی، اخلاقی و عرفانی.

- شیخ‌الرئیس از سنین نوجوانی و جوانی، هم شیخ بوده و هم فقیه، هم رئیس بود و هم وزیر، هم حکیم بود و هم طبیب، هم امام‌الحق بود و هم عارف.
- فیلسوف، اصولی، کلامی، ادیب، ریاضی‌دان، منجم و موسیقی‌دان بوده است.
- توفیقات شیخ‌الرئیس همانا نیاز امار و حکام به طب او بوده است وگرنه مورد حسد همگنان خود قرار می‌گرفته است، همان‌گونه که دیگر هم‌نوعانش چنین بوده‌اند.
- از نکات عمده زندگی کوتاه ابوعلی‌سینا توجه او به عرض عمر بوده است، نه طول آن؛ اولویت کیفیت بر کمیت.
- دو کتاب، از بین تمام رسائل شیخ، از همه مهم‌تر و معروف‌ترند: قانون در طب و شفا در فلسفه. جالب اینکه به نظر می‌رسد این دو نام باید برعکس گذاشته می‌شده است، ولی بعضاً برای این نام‌گذاری توجیهاتی می‌آورند.
- شاید علت چنین نام‌گذاری‌ای، علاوه بر جلب توجه دیگران، همانا قانونمندیبودن طب و شفابخشی فلسفه است.
- نکته دیگری که از قیاس این دو مطلب به نظر نگارنده می‌رسد، همانا ضرورت واحدی است که این دو مقوله نشانه رفته‌اند: سلامت فردی و سلامت جمعی که توأماً استحکام هستی را به ارمغان می‌آورد. به قول حافظ: سلامت همه آفاق در سلامت توست.
- از این گذشته، تئوری دیگر نگارنده را می‌توان مورد توجه قرار داد و آن، زوجیت موجب جریان بوده و فردیت مجرای آن است.
- مثلاً در قرآن قسم به شفع و وثر خورده می‌شود.
- در بدن دو ریه داریم و یک قلب.
- در اسلام قرآن در کنار سنت و اجماع معنی می‌شود.
- حتی سوره‌های قرآن به صورت زوج‌زوج تفسیر می‌شوند.
- اختلاف پتانسیل ابرها باران می‌زاید.
- اختلاف فازهای الکتریسته نور می‌زاید.
- زوجیت زن و مرد انسانیت را جاری می‌کند.

نکات عجیبی درباره شخصیت و زندگی حکیم ابوعلی‌سینا

شیخ‌الرئیس قانون و طب



- شاید وجود زوج‌های روحی، نیازی برای جاری‌شدن جریان‌های روحانی بوده است؛ مثلاً شعر شاعر برای محبوبش.
- یا جریان‌یافتن عرفان مولانا در زوجیت عشقانی با شمس‌تبریزی.
۲۳. به تعبیر قرآن در کل هستی برای هر پدیده‌ای زوجی قرار داده شده.
۲۴. اتحاد این زوج‌ها موجب وحدت در سطح بالاتری از قبل می‌شود، همان‌گونه که سنتز، سطح بالاتری از تز و آنتی‌تز دارد (اشاره به جریان دیالکتیک هگل و تعالی متعاقب آن).
۲۵. به‌طورکلی هر امتداد نسلی برایند زوجیت دو بردار مثبت و منفی، در کل هستی، هستند.
۲۶. با این مقدمات ۲۵گانه شاید بتوان به سه دسته پرسش‌های مقدماتی پاسخ داد.
- هم‌زمانی ظهور ابوعلی‌سیناها در شرق عالم، وجود یک برایند مثبت امواج کهکشانی در این منطقه بوده است.
- به قول باباطاهر: بهر الف الف قدی می‌آید الف قدم که در الف آمدستم

- دیگر اینکه، از یک سمت، ایجاد فرصت حکومتی ناشی از آرامش تهاجم عربی و از سمت دیگر ورود معارف یونان به ایران بوده است.
۲۹. گفته‌اند ابوعلی‌سینا آثار ارسطو را تا ۴۰بار خوانده و شرحی بر بعضی از آنها نوشته است.
۳۰. علت اینکه در نیم‌قرن اخیر، بلکه در قرون اخیر، دیگر فردی برجسته در ایران پدیدار نشده است شاید، علاوه بر گردش امواج کهکشانی مولد از این منطقه، حاکمیت ستمگران بشری بر اریکه قدرت بوده است.
۳۱. حکام ظلم، که از جهل مرکب برخوردار بوده‌اند، نه‌تنها کمک به رشد فکری نوابح نمی‌کرده‌اند بلکه آنها را مورد تحقیر و تسخیر می‌خواسته‌اند. به قول حافظ: صحبت حکام ظلمت شب یلداست، نور ز خورشید جو بو که برآید.
۳۲. البته حسادت همگنان و مدعیان دروغین هم (تزویر) به‌همراه زور حکام کارسوزی کرده است. برای نمونه در مقدمه‌هایی که خیام، ابن‌سینا، رازی، ابن‌خلدون، عین‌القضات همدانی و دیگران بر آثار خود نوشته‌اند، بلااستنا از چهار طایفه نالیده‌اند: زاهد ربایی، صوفی دجال فعل، محتسب انسان ستیز و واعظ غیرمتعظ.
۳۳. متأسفانه گاهی اوقات سه ضلع مثلث زر و زور و تزویر روی هم افتاده و «خط نحسی» را رقم زده است که هر حرکت بالنده‌ای را خط می‌زند.
۳۴. بحث از سرگذشت ابوعلی‌سیناها فقط یک عبرت است و بزرگداشت همچون بزرگوارانی یک سیاست بیش نیست.
۳۵. به قول خود ابوعلی‌سینا: اگر برای یک غلط هزار دلیل بیاوریم، می‌شود هزارویک غلط.
۳۶. پس می‌توان با در نظرگرفتن مقتضیات زمان و مکان فرادوهزار (هزاره سوم) به مسائل زیر بیندیشیم:
۳۷. انسان جهانی‌شده دارای چه هویت و حقوقی است؟
۳۸. سوابق فرهنگی و لواحق علمی مردمان خطه‌های مختلف را، در عین حفظ کثرت، چگونه می‌توان وحدت بخشید؟
۳۹. آیا می‌توان اخلاقیات مطلق جهان‌شمولی را به صورت اصول اخلاق مشترک انسان جهانی‌شده تعریف کرد؟
۴۰. نهایتاً نیاز انسان جهانی به معنویات عرفانی با کدام مکتب صلح‌آمیزی پاسخ داده می‌شود؟
- با الهام از آموزه‌های حکمایی همچون ابوعلی‌سینا، ضروری است فرهیختگان متعهد جهان حاضر، اقدامی بسنده کنند.
- ان‌شاءالله
- ویژگی‌های نابغه‌ای که از نوادر بشری است را در ۱۰ سطر آورده‌ایم؛ یعنی اقیانوسی را در کوزه‌ای گنجانده‌ایم.
- مشاهده کنید با چند مورد آنها آشنایید، به هر مورد ۱۰ نمره بدهید.

شماره	موارد	مشروح
۱	نام و نشان	شیخ‌الرئیس حسین بنعبدالله بنعلی‌بن‌سینا
۲	زمان و مکان تولد	سال ۳۷ قمری در بخارا (پیتیم ۲۲ساله) که اکثر حکمای ایرانی از آن ناحیه برخاسته‌اند
۳	زمان و مکان وفات	سال ۴۲۸ قمری در همدان (۵۸ساله) که در آن دوران پایتخت ایران هگمتانه نام داشت
۴	مادر و برادر	ستاره و محمود که تاجر زیردستی بوده و کم‌وبیش برادر را کمک می‌کرده و یوعلی تاآخر عمر مجرد زیست
۵	تبار دینی	اسماعیلی‌تبار که گویا شریعت رایج روشنفکران آن زمان و مکان بوده است
۶	کتاب معروف	شفا، قانون، حاصل و محصول، البر والائم، قوای نفسانیه و ۳۰رساله دیگر
۷	جامع‌العلوم	طبابت، فقهات، حکمت، نجوم، موسیقی، اخلاق، منطق، فلسفه، هندسه و ریاضیات
۸	سنوات علمی	۱۲ سالگی فقیه، ۱۶ سالگی طبیب، ۱۸ سالگی علما، ۲۱سالگی حکیم و فیلسوف
۹	ملاقات با مقامات	با اکثر مقامات حکومتی به امید کمک به انتشار آثارش ملاقات داشت تا بالاخره وزیر شمس‌الدوله شد
۱۰	نکته عینی‌باهر	در جابه‌جایی مقبره او عکسی از جمجمه اش دیده‌ام که مستخدمش می‌گفت اصل آن را انگلیسی‌ها برده‌اند!

سکان عواطف ما دست کیست؟

دکتر علی روحانی

خبر روزانه که شاید مشابهش را در سراسر دنیا شاهد بوده‌ایم، بتواند موجی از عواطف جمعی را در پی داشته باشد. نمونه‌ای که اخیراً شاهدش بوده‌ایم، مرگ ۱۹ سرباز در حادثه‌ای جاده‌ای بود؛ اما چرا این‌قدر فضای احساسی درباره سربازان شکل گرفته است؟! چند دلیل به ذهنم می‌رسد:

اول) منطق تصادف: حادثه تصادف جاده‌ای بوده است. همه ما تجربه‌های زیادی در تصادفات رانندگی داشته‌ایم. خانواده‌های زیادی از این‌طریق داغدار شده‌اند. یکی از اصلی‌ترین موضوعات اجتماعی نیز امنیت جاده‌ها و وسایل نقلیه در سفرهاست. هر سال در نوروز و هنگام شروع مسافرت‌های جاده‌ای، بحث‌های زیادی درباره تصادفات انجام می‌شود. بخش گسترده‌ای از آتنن تلویزیون به برنامه‌های فرهنگ ایمنی و بحث‌هایی ازاین‌دست اختصاص پیدا می‌کند. سربازها در تصادف جاده‌ای فوت کردند و این منجر به همدات‌پنداری شده و عاطفه شما اینجا تحریک می‌شود.

دوم) منطق تعداد: «۱۹» سرباز کشته شده‌اند؛ آن‌هم در حادثه‌ای جاده‌ای! اگر خاطرتان باشد، چند سال پیش اتوبوسی دچار سانحه شد و اکثر مسافران آن فوت کردند (در مسیر قم به تهران). آن زمان نیز دوباره عواطف جمعی درگیر شده بود. منطق تعداد، اینجا عاطفه شما را تحریک می‌کند؛ یعنی تعداد بیشتر کشته‌ها، بیشتر شما را متقلب می‌کند. اینکه تعداد نفرات کشته‌شده را با اعداد بدانید، بیشتر شما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد تا وقتی گفته شود «تعداد زیادی» سرباز مرده‌اند.

سوم) منطق سرباز: ۱۹ «سرباز» کشته شده‌اند! سرباز در ادبیات و در جامعه ما بار معنایی زیادی دارد. سرباز همیشه مدلول‌های خاص خودش را دارد:

- ۱-۳. غربت، وضعیت دشوار معیشتی، مرز و… معنای سرباز، به‌گونه‌ای همیشه با معنای دوری از وطن همراه بوده است.
- ۲-۳. ضعیفی، بی‌قدرتی و… سرباز همیشه نماد فرمان‌برداری است، سرباز همیشه باید اطاعت کند.
- ۳-۳. نوستالژی و عشق‌های قدیمی، معنای

زاویه

اتفاق

تلاش برای رسیدن به بشریت واحد

گری لوردیس*

در دنیای امروزی که آکنده از درگیری‌های منطقه‌ای و بلایای طبیعی است، بیش از ۱۳۰میلیون نفر برای زنده‌ماندن وابسته به کمک‌های بشردوستانه هستند. در سراسر دنیا، مردان و زنان شجاعی هستند که احساسات بشردوستانه خود را دنبال می‌کنند تا به هم‌نوعان خود کمک کنند. آنان هرروز آماده رویارویی با خطر و سختی هستند. ۱۹ آگوست، روز جهانی کمک‌های بشردوستانه نام‌گذاری شده است.

این روز، زمانی است که ما تمام کمک‌رسانان بشردوستانه را ارج می‌نهمیم. آنان خواهران و برادران ما هستند که در خط مقدم جنگ‌ها و بلایای طبیعی می‌ایستند. آنان کسانی هستند که هرروز با خطر روبه‌رو می‌شوند تا افرادی که تحت‌تأثیر جنگ یا شرایط اضطراری پیچیده قرار گرفته‌اند را یاری رسانند. آنان کسانی هستند که گاهی برای نجات دیگران از جان خود نیز می‌گذرند. بنابراین موضوع امسال این روز جهانی «بشریت واحد» است؛ بشریتی که همه ما را به‌هم متصل و یک مسئولیت مشترک برای حفاظت از یکدیگر در این سیاره آسیب‌پذیر ایجاد می‌کند. برای ما در سازمان ملل متحد و ایران این روز از اهمیت ویژه دیگری نیز برخوردار است. دقیقاً ۱۳ سال پیش و در همین روز بود که آقای سرگیو ویبرا دو ملو، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور عراق و ۲۱ نفر از اعضای گروهش در حادثه تلخ بمب‌گذاری در مقر سازمان ملل متحد در بغداد جان خود را از دست دادند.

در بین کسانی که کشته شدند، آقای رضا حسینی نیز حضور داشت. رضا ایرانی بود. زمانی که او و همکارانش در حادثه انفجار کشته شدند، او در حال تلاش برای ایمن‌کردن، سالم‌کردن و شادکردن زندگی برای کسانی بود که حتی آنان را نمی‌شناخت.

امروز و هر روز، ما زندگی او و تمام کسانی که جان خود را در راه فعالیت‌های بشردوستانه از دست داده‌اند، گرامی می‌داریم که بزرگ‌ترین فضیلت در بین مردم متمدن است. وراى این موضوع، روز کمک‌های بشردوستانه، فرصت مناسبی است که اهمیت نیاز به این کمک‌ها را در سراسر جهان بیشتر درک کنیم و همچنین به اهمیت مشارکت جامعه جهانی برای مقابله با این چالش‌ها اشاره کنیم. اینجانب‌باور دارم که ما در مسیر درست‌ی قرار داریم. این موضوع را بیان می‌کنم زیرا در چند ماه گذشته جهانیان کنار هم آمده‌اند تا بر سر چهار سند مهم به توافق برسند که تمامی آنها به نجوی از سیاره زمین و مردمش محافظت می‌کنند. این توافقات به‌ترتیب:

۱. چارچوب موسوم به «سندای» برای کاهش خطر ریسک بلایای طبیعی (این سند در شهر سندای نوجوانان ما از دنیای مجازی به‌سوی دنیای واقعی نیست. خود این حرکت را می‌شد اولیا و مسئولان به فال نیک بگیرند و با برخورد همدلانه به فرصتی برای ایجاد ارتباط با آنها تبدیل کنند.
۲. توافق پاریس برای تغییرات اقلیمی.
۳. اجلاس جهانی بشردوستانه که در استانبول برگزار شد.

با توجه به اینکه ۱۹۳ کشور دنیا گرد هم آمده تا بر سر این اسناد مهم توافق کنند، همین امر نشان‌دهنده این موضوع است که جامعه جهانی به‌دنبال راه‌حلی برای مقابله با مشکلات موجود و رسیدن به آینده‌ای پایدار است.

«بشریت واحد» در حال دستیابی است. در این روز ویژه، ما تمام کسانی که برای رسیدن به این ایده ناب تلاش می‌کنند را ارج می‌نهمیم؛ تمام کمک‌رسانان حوزه بشردوستانه را.

***همانکه‌کننده‌مقیم سازمان ملل متحد در ایران**

زاویه دید

عبور از فضای خصوصی به فضای عمومی



نیره توکلی،جامعه‌شناس

ورود به هر دوره سنی تازه‌ای در زندگی انسان‌ها با دگرگونی‌ها و بحران‌هایی همراه است؛ بحران‌های میان‌سال، بحران‌های یانگی در زنان و نیز مردان، بحران‌های مربوط به پیری و ناتوانی و زوال توان جسمی و روحی. اما شاید یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های سنی انسان مربوط به دوران نوجوانی باشد. کودکی که به‌ناگاه دگرگونی‌های جسمی و روحی و هورمونی شگرف در درون و بیرون او آشوب به‌پا کرده است، هم در درون او غوغاست و هم تصویر خود را در چشم دیگران دگرگون‌شونده می‌بیند. مشتاق است که هرچه‌زودتر دوران گذار را طی کند و از بلاتکلیفی بیرون بیاید و دیگران او را زن کامل یا مرد کامل ببینند. مشتاق است که بر دانش خود درباره دوران جدیدی که پا به عرصه آن می‌گذارد و دیگرانی که در این دنیا با آنها روبه‌رو خواهد شد بیفزاید. هزاران پرسش درباره خودش و تصویرش در چشم دیگران -که هویت اجتماعی او را تشکیل می‌دهد- و هزاران پرسش درباره دیگران ذهن او را پر می‌کند. رؤیای داشتن بهترین تصویر از خود در نگاه دیگران و هزاران رؤیا و آرزوی دیگر، چه دور از واقعیت و چه مطابق با آن، وجودش را تسخیر می‌کند. بنابراین، گاه با ترس و تردید و گاه با نهمب‌زدن به خود برای آنکه شجاع باشد، می‌کوشد خود را و توانایی‌های خود را به دیگران نشان دهد و حضور خود را با هویتی تازه در میان دیگران تجربه کند. او نیازمند این تجربه است تا با شناساندن خود به دیگران توانایی‌های جسمی و روحی و اجتماعی خود را بسنجد. ازهمین‌روست که ایجاد فضاهای سالم برای این تجربه‌اندوژی و فراهم‌آوردن منابع اطلاعاتی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایش و نیز مشورت‌دادن و همدلی با او بسیار مهم است. نبود فضاهای سالم و شاد اجتماعی برای فعالیت‌های گوناگون ورزشی و هنری و تفریحی و انکار و سرکوب کنجکاوی‌های بجای وی، بدترین شرایط را برای این دوران گذار پدید می‌آورد. در بسیاری از موارد، ممکن است نوجوان به این نتیجه برسد که بزرگ‌سالان و پدر و مادر فقط قصد دارند با تمام قوا او را بنشانند سر جای خودش و تأکید کنند که او هنوز بچه است. شاید عباراتی مانند «نیم‌وجبی، چه غلط می‌کند!» یا «دهنت هنوز بوی شیر میده» یا «بشین سر جات، بچه!» پاسخ‌های غالبی باشد به کنجکاوی‌ها یا رفتار نوجوانان در این سن. بسیاری از جوانان در نوجوانی به دامن اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی دیگر فرو می‌افتند، اما بهتر است از خودمان ببرسیم که به جای وحشت صرف از منحرف‌شدن نوجوانانمان، دستاوردها و



راهکارهای فرهنگی ما برای پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی آنها چه بوده است. چند سربال تلویزیونی و کتاب و انتشارات و برنامه تفریحی و هنری و ورزشی ارزان و مناسب برای آنها تدارک دیده‌ایم که به‌سجای نادیده‌گرفتن دل‌مشغولی‌ها و کنجکاوی‌ها و نیازهای آنها، مستقیماً به آنها بپردازد. اگر نوجوانان نسل پیش از خود را در پاسخ‌گویی و کمک و مشورت‌دادن ناتوان یا سرکوبگر ببایند، حاصلی جز لسردی و آنگا به گروه‌های هم‌سالان یا تشکیل خرده‌گروه‌هایی ندارند که تصور می‌کنند چه بزکار و چه غیربزکار تنها کسانی‌اند که با آنها همدلی می‌کنند.

نایب فراموش کنیم که از ملزومات جامعه مدنی تشکیل‌های مدنی است. از تشکیل‌های جوانان، نوجوانان، زنان و… گرفته تا تشکل‌های صنفی و سیاسی و اجتماعی. هر رسانه‌ای و ازجمله رسانه‌های مجازی می‌توانند وسیله‌ای برای آگاهی‌بخشیدن در جهت ایجاد این تشکله‌ها باشند. پس مسئله و مشکل حرکت نوجوانان ما از دنیای مجازی به‌سوی دنیای واقعی نیست. خود این حرکت را می‌شد اولیا و مسئولان به فال نیک بگیرند و با برخورد همدلانه به فرصتی برای ایجاد ارتباط با آنها تبدیل کنند. زیرا این حرکت هیچ شاعر مشخص یا خواست ناممکنی را مطرح نکرده بود. درواقع، مسئولان و متولیان امور نوجوانان و جوانان می‌توانستند خردمندانه و مهربانانه این گردهمایی را اداره کرده و تصویر امیدبخش و روشنی را از آینده اجتماعی و ورزشی و تفریحی بهتر به نوجوانان عرضه کنند. در این صورت، هم به نوجوانان نشان می‌دادند که برایشان احترام قائلند و به فکرشان هستند و هم توهم دشمن‌فرض‌شدن را در آنان ایجاد نمی‌کردند.

در غیاب سازمان‌ها و نهادهای نیرومند اجتماعی و مدنی برای حمایت از نوجوانان، خانواده‌ها و پدر و مادرها وظایف سنگینی برعهده دارند. آنها ناچارند هزینه‌های جبرانی را از طریق ایجاد فضاهای خصوصی درون شبکه‌های دوستانه و خویشاوندی بپردازند یا دست‌به‌دامن آموزشگاه‌ها یا مؤسسات خصوصی تفریحی و ورزشی گران‌قیمت شوند. هرچند که توان اقتصادی خانواده‌ها گاه بسیار محدود است.

اما لازم است توجه کنیم که ارزش‌های پسند جامعه نه در فضاهای بسته و محدود پدید می‌آید و حفظ می‌شود، نه در فضاهای عمومی و رسمی نام‌خوان با نیازهای این گروه سنی. اجتماع‌پذیری براساس ارزش‌های پسند جامعه نیاز به فضاهایی دارد که فرصت لازم را برای تحقق توانایی‌های نوجوانان و نمایش آن به دیگران فراهم آورد.